

خلاق افغانستان از انقلاب دفاع
ممکنند

درواه ایجساد امنیت و آرامش

انقلاب ملی و دموکراتیک نور، طوریکه بهمگسبانه معلومست به بیراهه گمنانده شد. هوضعگیری خصمانه طبقات و اقشار مرتجع و وابسته باامپریالیزم یک امر طبیعی و پیش بینی شده بود ولی در اثر اشتباه در تشخیص اهداف سترا تژی یک، عدم شناسخت دقیق نیروهای ممد انقلاب، انحراف از اصول زربین اید یو لوزیک و سازمانی و اعمال سیاست غلط و ضد مردمی، آن نیروها ایکسه طبعیاً از انقلاب جدا نبداری میکردند و یا با اندک توجیهی در پهلوی انقلاب قرار می گرفتند نه تنها رانده شدند بلکه قسمتی از آنها در اثر ایجاد سوء تفاهات بموضع خصم در غلبیدند.

حزب دموکراتیک خلقی افغانستان با تحلیل دقیق و درک عمیقی که از قضایا و وضع موجود داشت، عایقه انحراف و فاشیزم شجاعانه رزمید و نیک رزمید - تبعیدها دید، محرومیتها، شکنجه ها و زندانها کشید، قربانی ها داد ولی سرانجام پیروز شد، پیروز شد تا آدمکشی، وحشت و ویرانی و خطر تجزیه و تهدید استقلال کشور را لگام زند، استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی را تأمین و برای مردم افغانستان عزیز امنیت، مصوویت، ترقی، رفاه، احساس غرور ملی و فضای دموکراتیک را بازگرداند.

در اولین بیانیه رئیسق بپرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا رئیس شوری انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان به بیانیه ایکه بعد از درهم شکستن قدرت فاشیستی در کشور آغاز گمر حله نوین و تکاملی انقلاب نور بود، وضع نا هنجار و درهم برهم کشور تحلیل و فشرده

حزب و دولت ما با درک این واقعیت اطمینان داشت که بزودی وعده های پیش را در عمل پیاده می نماید و احساس مصوویت و اعتماد را به مردم وطن شریف ما باز می گرداند.

همه دیدند مطابق وعده های ایکه صورت گرفته بود، آزادی تمام زندانیان سیاسی که از دم ساطور حفیظ الله امین تپیکار، سر بسلا مست برده بودند، اعلام گردید، تمام مقررات ضد دموکراتیک وضد انسانیت لغو و کثارت

بپا تو قیفت ها، تعقیبات خود سرانه و تفشیش منازل و غایب منع گردید احترام با اصول مقدس اسلام، آزادی وجدان، عقیده و مراسم مذهبی و حمایت از نظام کانون خانواده و اصل ملکیت قانونی مشروع و عادلانه شخصی رعایت گردید در جهت احیا امنیت و مصوویت فردی و اجتماعی، آرامش و صلح و نظم انقلابی تلاش بیدریغ مبول گردید، شرایط سالم آزادیهای دموکراتیک، حق کار و تحصیل آزادی و حریمت مکاتیب، مجازات، مسافرت و مصوویت منازل تا مین گردید، به نسل جوان و شاگردان مکاتیب، محصلان و روشنفکران کشور، بدون تبعیض توجه و کمک جدی و بنیادی صورت گرفت و مصوویت را در کشور باز گرداندند.

اما مردم ما چون دعوتهای وعده های گذشته را زیاد شنیده بودند وعده شکنی ها را با گوشت و پوست خود لمس کرده بودند نمیتوانستند بصورت فوری باین ندا لبیک گویند. توده ها همیشه انتظار دارند آنچه در الفاظ گفته میشود در عمل اثبات شود. در غیر آن نمیتوانند اعتماد کنند.

حزب و دولت ما با درک این واقعیت اطمینان داشت که بزودی وعده های پیش را در عمل پیاده می نماید و احساس مصوویت و اعتماد را به مردم وطن شریف ما باز می گرداند.

همه دیدند مطابق وعده های ایکه صورت گرفته بود، آزادی تمام زندانیان سیاسی که از دم ساطور حفیظ الله امین تپیکار، سر بسلا مست برده بودند، اعلام گردید، تمام مقررات ضد دموکراتیک وضد انسانیت لغو و کثارت

ادعا میکنند که طرز العمل اتحاد شوروی در قبایل در خواست افغانستان، شکل مداخله بعضی کشور های امپریالستی در امور داخلی کشور های «جهان سوم» را به خاطر میاورد.

ولی چنانچه معلوم است، برای انقلابیون همیشه معیار اصلی ارزیابی شکل نه، بلکه مضمون و هدف این یا آن فعالیت، درک اینکه این اعمال جوابگوی منافع خلق هستند یا نه، می باشد.

حتی از لحاظ شکل نیز «که من فکر میکنم در خلال مصاحبه کا ملا آشکار ساخته باشم» کمک اتحاد شوروی به کشور ما جدا با اصول حقوق بین دول مطابقت داشته و از زمین تا آسمان از مداخلات امپریالستی و «گوش مالی دادن» های عظمت طلبانه به کشور های دیگر، فاصله دارد.

پرنسپ دیگری که یادآور میشوند عبارت از اصل مشور اندیشه مقبر قس در مسوور د صمدور

انقلاب است. آخر به فکرین برای همه باید آشکار باشد که در افغانستان انقلاب بود و انقلاب زیر تهدید قرار داشت برای نجات آن کلیه و طعن بر ستان کشور ما برخاستند. عساکر اتحاد شوروی از انقلاب رابهور بر چه تحمیل نکرند.

همچنان ادعا میشود که نیروهای مترقی و انقلابی در افغانستان اختلافات داخلی خود را با هم حل می نمایند. این اظهارات برای ما تعجب آور است. مگر آنها واقعاً نمی دانند که در افغانستان مساله تجاوز از خارج مطرح بود؟ درست بود که تحت نام مخالفت با صدور انقلاب از صدور ضد انقلاب حمایت میشد. طوری که در جیلی رخداد آوارا قما مجاز بود «چیلی دوم» حتی خود تبار تر تکرار گردد.

خلق افغانستان از انقلاب...

پرنسپ سوم عبارت است از تلاش جدی در جهت تأمین راه های حل صلح آمیز و سیاسی به جای نظامی. مخالفین ما، اتحاد شوروی و افغانستان را تهدید می نمایند که برای صلح خطر به وجود آورده اند. آنها سیاست اتحاد شوروی و امریکا را در یک بله ارزیابی قرار میدهند و اظهار می دارند که حوادث اخیر به خصوص کمک نظامی اتحاد شوروی به کشور ما، تشکیل خلقی رادر جهت صلح و همبستگی خلقها را در مبارزه مشترک بر ضد امپریالیزم مشکوکتر ساخته است.

واضح است که ماضوریت تجسس راههای حل سیاسی مسایل را رد نمی نماییم، و اتحاد شوروی با کمکهای بی شمار و برآورد این جهت که از طبیعت ساختار نظامی اجتماعی آن ناشی میشود، ثابت کرده است که فعالیت وی فقط در این سمت متوجه می باشد.

اما حل صلح آمیز «برای افغانستان» را فقط دشمنان افغانستان جلیده یعنی امپریالست ها، جینی ها و همکاران ایشان ممانعت کردند.

به نظر ما امروز شما بسط مساعده برای تشخیص دقیق طر فداران حقیقی صلح و دشمنان واقعی آن به وجود آمده است. کافی است نظری به نقشه های امپریالستی ببینیم که در کنیم چه کسانی را قضا صلح را تهدید می نمایند: امپریالیزم یامو سیالیزم آیا به نفع صلح بود که امریکا در اثر انقلاب زهابی بخش ایران پایگاههای خود را در آنجا از دست داد، تصمیم گرفت که راکت ها و

تغییر نظام دولتی

مقدمه:

دولت را در هم شکست؟ در آغاز دهه های مبارزه ملی در سرزمین ما... و هجدهم پرو... این آید به تجسس میباید که همه انقلاب های پیشین ماضین دولتی را تکرار کرده اند و حال آن که باید خورد کرد و درهم شکست. در این آثار براساس رویداد های تاریخ فرانسه بخصوص قیام ۱۸۴۸ به عنوان اولین جنگ داخلی پرو و دریا بسا بورژوازی که وحشیانه سرکوب شد، ماهیت دولست بورژوازی، طبیعت انکلووار دهشتناک آن، مخدرات نظامی داری عظیم و بیخ در پیچ آن که «از عا مترین صور زندگی گرفته از زندگی خصوص صمدی دهها افراد در جنگسال و قیومیت آنست. یعنی عظیم الجثه گی بوروکراتیک آن و اشکال کونگون سلطنتی و جمهوری آن در ادوار مختلف تاریخ مورد تحلیل دقیق قرار می گیرد و نتیجه مشخص این تحلیل عبارتست از اینکه طبقه کارگر پس از انقلاب (انقلاب کارگری) نباید به تصرف ماضین دولتی و نظامی کینه پسنده کند. بلکه باید این اثرات مستمری و اعمال قهر را باید در هم

دولت است. و بناء اگر دولت افزاران حاکمیت سیاسی است، اگر سازمان ویر و قدرت یعنی قوه قهریه برای سرکوب طبقات و اقشار معین است، و درست این مکاتیب است که دوزخی زمانی پدید می آید که جامعه سر درگم تضاد های لاینحلی بوده و به نیرو های متقابل آشتی ناپذیر تبدیل شده و اگر قدرت حاکمه اجتماع می مشخصه هر دولت است (که است). بنساعا طبیعی است که لیاق انقلاب اجتماعی در حل یکی از مسائل اساسی انقلاب یعنی در حصول قدرت سیاسی و بالنتیجه در فرو کوبی نظام دولتی کین و در هم شکستن و تغییر قدرت حاکمه اجتماعی گذشته، نبفته است. نتیجه طبیعی انقلاب است اجتماعی پیروز مند، شکست ناپذیر اشکال سیاسی متحجر و از کار افتاده است.

انقلاب اجتماعی که چکا خود را از متن آینه ه بر میدارد راه یوایی خود را از طریق همین دگرگونی و در هم شکستن اندن قدرت حاکمه گذشته باز میابد. اما سوال می شود که چگونه و در شرایط کد امین انقلاب بسا با پید ما شین

شکند. درین آثار تفاوت اساسی بین انقلاب پرو لری و بورژوازی توضیح شده است.

در مورد انقلابات بورژوازی و دگر داده می شود:

«تمام دگرگونیهایی که این ماضین را در هم شکند، آن را تکرار کرده اند، اجزایی که یکی پس از دیگری برای احر از تسلط مبارزه می کردند تصرف این دستگاه دولتی عظیم را غنیمت عمده پیروزی خود به شمار می آورند.»

و درست بر پا به همین استقلال است که بنساعا دگرگونی آید و نوژی مترقی نصیر یح میدارند که با پید «تمام نیروی تخریب خویش» را علیه این ماضین بوروکراتیک دولتی متمرکز ساخت. تخریب به انقلاب کارگری نوینی را برای احکام فوق وجود آورد.

کدام حکم؟ اینکه: «ما شین بوروکراتیک نظامی، چنانکه تاکنون بوده، میشد از دست به دیگر داده نشود، بلکه در هم شکسته شود چنین است شما را فقط ما می عسر انقلاب در قار...»

یعنی در هم شکستن ماضین بوروکراتیک و نظامی دولتی در سر عمده در مورد وظایف پروتاریا در انقلاب نیست به دولت است.

نامه های مردم

نامه های داریم از ایر وین نوربور، محمد یحیی غابدی از ولایت سمنگان، فریاد ناصر کارگرفنی کابل بر بنما و علم محمد رسو لیار محصل صف پنجم پوخنکی انجمنی پوهنتون کابل.

ایشان ضمن استقبال از نشر «حقیقت انقلاب نور» به مثابه ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلقی افغانستان پیشنهاد اتی در زمینه بهبود کار روز نامه ارائه داده اند.

ما از علاقمندی و حسن نظر این دوستان گرامی خویش سپاسگزار کرده و تعقیبات را آرزو مندیم. اما در مورد پیشنهاد ایشان که بیشتر روی ضرورت نشر مطالب تیوریک در این روزنامه تاکید میکنند: ما در شماره های قبلی به نامه های مشابه پاسخ داده ایم که امید داریم مطالعه کسر نباشند.

همچنان یکی از این دوستان ما طی نامه خویش از نشر انتقادات اصلا حسی مردم در «حقیقت انقلاب نور» استقبال کرده آنرا عملی ارزشمند و درخور تحسین دانسته است. مانین فرستاده غنیمت می شمیریم و یکبار دیگر «از کلیه نیروهای ملی و مترقی اعم از کارگران، دهقانان، روشنفکران، روحانیون و طنینرست و دیگر اقشار زحمتکش کشور و خواهانیم تا پیشنهادات، نظریات و انتقادات اصلا حسی خود را در زمینه امور اقتصادی اجتماعی و سیاسی به شمول امور دولتی حزب و سازمان های اجتماعی به ما بتکارندامی خواهیم کرد تا با سطح های لازم و طرق حل معایب و دشواریها را جستجو نماییم.»

گفتگوی رفیقا نه

نمایندۀ قدر اسیرین محصلان پاکستان: «زنده باد انقلاب»

پرسش: جشنواره جوانان مارا در چه سطحی ارزیابی می کنید؟

پاسخ:

بی آنکه ذره‌ای کزافسه گفته باشیم، بجزات میتوانیم اذعان کنیم که برای من خلاف انتظار بود. جشنواره شما از نظر نظم و سازماندهی در سطحی بالاتر از تصور ما قرار داشت.

پرسش: آیا میتوانید احساسات تانرا از درک حقایق موجود در افغانستان برای ما بیان کنید؟

پاسخ:

پیش ازین نیز بسبب سرزمین مرد پرور شما آمد

بودم. آنوقت همه چیز در نظرم جلوه‌ی دیگری داشت. همه چیز درغباری از محرومیت وادبار، یاس و دلهره‌ی پیچیده بود. اختناق سیاسی بر همه عرصه‌های زندگی تان حکمروایی میکرد و اینها همه مایه تأثر من بود و لسی اینبار فضای میهن شما لبریز از نور انقلاب است. لبریز از شوری که در همه ذرات وجودم آتشی از اشتیاق برمیافروزد و مرا بدان وامیدارد که با همه وجودم، بسا همه احساسم فریاد بزنم که: زنده باد انقلاب

پرسش:

مردم در دوران تسلط

(بقیه ص اول)

شکست ناپذیری جنبش های رهایی بخش

قسمت ششم

این مقاله تصویری است از خامت بحران عمومی سیستم سرما به داری و رشد روند انقلاب در جهان که شامل کلیه جنبش های رهایی بخش و جریانی های گوناگون مبارزه در راه برقراری جامعه نوین فارغ از ستم ملی و اجتماعی می باشد. بوریس یوناماریف منشی کمیته مرکزی حزب کمونسٹ اتحاد شوروی کانديد دفتر سیاسی سوسی نگارنده مضمون نشان میدهد که جنبش های بخش جزء لاینفک روند عینی تحول و تحولی فورما سیونهای اجتماعی، اقتصادی است و آشکار میسازد که استقرار سوسیالیسم محتوی اساسی همه مبارزات دوران معاصر است.

اما آیا چه ارتباط واقعی بین جنگ و انقلاب وجود دارد؟ همه کس میدانند که انقلاب در نتیجه بحرانهایی که به آغاز

دو جنگ جهانی انجامید درگرفتند حتی از آن جنگهای ۱۸۷۵ و ۱۹۵۴ انفجارهای انقلابی در فرانسه و روسیه رانسر یع کردند. نخستین جنگ جهانی به پیروزی انقلاب کمپرسو سوسیالیستی اکتبر انجامید و موجی از انقلابات و خیزش های انقلابی بسیاری از کشورهای اروپا و آسیای را در نور دیده شالوده های سیستم امپریالیستی جهانی رابه کالی تحلیل برد. دومین جنگ جهانی به انقلابات سوسیالیستی دموکراتیک خلق و رهایی بخش ملی در گروهای از کشورهای قاره های مختلف منجر شد که بیشتر آنها به پیروزی رسیدند. سوسیالیسم از محدوده های یک کشور فراتر رفت و سیستم سوسیالیستی جهانی پدید آمد.

زنده تاریخی بار دیگر آشکار شد: جنگها در دوران ما به، انقلاب منجر میشوند. در آستانه دومین جنگ جهانی احزاب کارگری معتقد بودند که رژیمهای جنگ آفرین سرنگون خواهند شد و چنین شد. طبقه کارگر و توده هایی که از سختی ها و وحشت جنگ در رنج بودند خشم خود را به سیستم ورژیمی که جنگ به بار آورده بود متوجه ساختند. سقوط رژیم نازی در آلمان هیتلری، فاشیسم ایتالیا و ملیتاریسم ژاپن در تحلیل نهایی کاملاً طبیعی بودند.

جنگ امپریالیستی تمام تضادهای سیستم استثمارگر رابه آخرین درجه تشدید می کند و آنها را به یک بحران سیاسی میکشاند. هر جنگی مشقت هایی ناگفتنی بر توده ها تحمیل میکند و هر آینه جنگی غیر عادلانه و غارتگرانه

باشد محرومیت های ناشی از آن تمایل به از میان برداشتن چنان سیستم اجتماعی را که سبب چنین خونریزی شده است در مردم برمی انگیزد. به همین دلیل جنگهای امپریالیستی نارضایتی توده ها و اعتراضات راسرعت می بخشد. تشدید کرده درجه پختگی انقلابات راسرعت می بخشد. دوایر ملیتاریست جنگ طلب امپریالیسم، مجتمع نظامی صنعتی پنتاگون و انحصارات امپریالیستی باید بدانند که فعالیت آنها برای به راه انداختن تجاوز و درگیری های مسلحانه، همانطور که تجربه حال و گذشته نشان داده، ممکن است به محرک جنبشهای انقلابی و رهایی بخش بدل شود.

در دهه هفتاد انقلاب برتگال که از بطن تضادهای اجتماعی اقتصادی و سیاسی درونی جامعه برنگال و استثمار برنگال سر برآورده بود بر این واقعیت صحه گذارد. توده های مردم در آنکولامو زمین و گیتی بیسوا به مبارزه مسلحانه در راهیابی ملی و آزادی اجتماعی برخواستند. سالها جنگ غیرعادلانه شور انقلابی را حتی در ارتش برنگال برانگیخت. جنبش نیروهای مسلح سازمانی که از نظامیان دموکرات مخالف رژیم فاشیستی تشکیل شده بود، پایه عرصه وجود گذاشت. بدین ترتیب جنگ استعماری بانام آسیب ها و شقاوت هایش فسخ بحران عمومی در خود برنگال راه جلوانداخت و عناصر مترقی ارتش را به برداشتن گامهای استواری برانگیخت که به پشتیبانی طبقه کارگر و نیروهای دموکراتیک به پیروزی سر یع منجر شد.

اما حاکمان آمورش مترقی هرگز اعتقاد ندارند که برای بسط انقلابات جنگها ضروری اند. نیروهای مترقی در جنگ اندوهناک به خاطر انقلابات در راه آن تلاش می ورزند. (با قیادار)

سند کرد. به عقیده شما آیا ما حق داریم از ایشان طلب کمک کنیم؟ پاسخ: من جوانی شرقی هستم. در جامعه عقب نهداشته شده پاکستان زندگی میکنم. من بارها شاهد بوده ام که چنان آتش خانه همسایه راهسایه خاموش میکند نمیدانم در غرب «متمدن» که غول سرمایه بسوی وحشت و بربریتش کشاند. چنین احساسی تا عمو زنده ماند یا خیر، ولی مردم ما همچو احساسی را می ستایند و از جش را بخوبی میدانند طلب کمک شما و پاسخ مثبت آنها، موافقت

انقلاب تور (اپریل) بر داشته شد و روشن گردد.

ج- برای اینکه سازمان های بین المللی و منطقه ای جوانان و محصلان مسافرت های همبستگی عیبت جوانان افغانستان را به کشورهای مختلف تنظیم نمایند. تدبیر اینکه مسافرت نیرومند بر ضد اعمال تجاوز گران نظامی امپریالیسم امریکا در بحر هند و آبهای همجوار آن و اعلام بحر هند بحیث یک منطقه صلح برانگیخته شود.

ه- برای اینکه از مبارزه نیروهای دموکراتیک در پاکستان علیه گروه نظامی و بجا طرح دموکراسی، آزادی و آزادی های عامه پشتیبانی به عمل آید. و- برای اینکه از مبارزه سرسخت جوانان، محصلان و مردم آسیا، افریقا و امریکا لاتین علیه امپریالیسم کلونیالیزم، ارتجاع صهیونیسم، اپارتاید و به خطر آزادی ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی حمایت به عمل آید.

ز- برای اینکه مبارزه به پیمان وسیع به خاطر کمک مالی با جوانان و مردم افغانستان خصوصاً بسا سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و با فعالیت های سازنده آنان برای اعمار افغانستان نوین سازمان افشا به عمل آید.

ح- برای اینکه زمین مسافرت زورنا لیستان به افغانستان به منظور مقابله با مبارزه افتراء آمیز و افشای حقایق مساعی گردد.

ج- برای اینکه دسه های بین المللی طبی وسایر دسده ها بطر سمبکری در مسای جوانان افغانستان برای سازمان کشوری سازمان یابند.

ط- برای اینکه به هر شکل ممکنه در مبارزه قاطع سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان بر ضد بیسوا دی کمک بعمل آید.

ه- باید سازمان های خاص جوانان دموکرات و نهضت های محصلین جهان در فعالیت های چند جانبه بصورت وسیع و با شدت استفاده به عمل آید و حقیقت واقعی وضع افغانستان توضیح و خصوصاً گام های متینی که از طرف جوانان و مردم افغانستان بر سر ای دفاع از دست آورد های

زنده باد همبستگی بین المللی زنده باد افغانستان انقلابی.

استبدادی امین روزهای تلخی را پشت سر گذاشتند امین و باند خون آشامش به دستور «سپاه اراده بر سر آن داشتند که کشور ما را از وجود هر چه انسان میهن پرست و آزمنده است، بیکباره تهر سازند و سرانجام هم در زنده با گلبدین، سر دسته رهنمایان آدمکش، بسا طرح کودتایی، چنگال ناپاک هیولای امریکا و چین را تا حلقوم مردم ما برسانند و مشت کوبنده خلق مهرمان اتحاد شوروی بنا به درخواست حزب و دولت ما، خدایی به وقع بردهان بدسگالان غرور آمد و راه تجاوز ایشانرا

میکند فوق العاده تمجیدی کند.

این جلسه جوانان و محصلین به نمایندگی از مردم جوان قاره های مختلف از اقدامات گوناگون که از طرف حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از دو مین مر حله انقلاب صورت گرفته است استقبال میکند. اما تیکه شامل رها یی زندانیان سیاسی، ختم دهمست، شکنجه، ستم و تخویف و طرد پستان واقعی میباشد.

جلسه از اعلام و معرفی اصلاحات جدید که آزادی های وسیعی را در حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی تضمین میکنند چنانچه در قانون اساسی جدید منعکس شده است و از اقداماتی از قبیل تشکیل جبهه وسیع ملی پدر و طن که کلیه طبقات و طرد پرست توده های افغانستان را در بر میگیرد استقبال میکند.

جلسه از کمک های به مردم اتحاد شوروی به سردم افغانستان در خشی کردن دسایس امپریالیست ها و دفاع از استقلال حاکمیت و تمامیت ارضی کشور فوق العاده قدر دانی میکند.

واژ آزادی، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور دفاع میکنند. این جواب مثبت اتحاد شوروی که بنا بر تقاضای مکرر حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت گرفت موجب رضایت تمام نیروهای ضد امپریالیستی در سراسر جهان واقع شد. در این گردهم آیی بین المللی جوانان و محصلان در حالیکه یکبار دیگر همبستگی مداوم شان را با افغانستان انقلابی تأیید کردند با جدیت اعلام می دارند که در آینده بر این همبستگی بیشتر از پیش تأکید به عمل خواهند کرد و آنرا مستحکمتر خواهند ساخت.

اشتراک کنندگان کمک های همه جانبه مادی بزرگ و ابراز همبستگی تمام کشور های سوسیالیستی را به مردم افغانستان در دفاع از دست آورد های وضع افغانستان توضیح و خصوصاً گام های متینی که از طرف جوانان و مردم افغانستان بر سر ای دفاع از دست آورد های

طرف امپریالیست ها را تجمیع و اجیران برای برآوردن حملات علیه حکومت قانونی جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز می نمایند.

این اجتماع بین المللی جوانان و محصلان تفویض انرجا را از فعالیت وحشیانه و اعمال ناشایسته یی چون زهر افکندن، کشتن ترور، چپاول دارایی های عامه که از طرف صورت گرفته و انقلاب بیوز و پادشاهی به راه انداخته میشود ابراز می دارد.

این اعمال غیر شعوری حتی مردمان بی گناه دهنشین اطراف مکتب و زنان را نیز در بر گرفت و سبب تبلیغات پیشروانه در وسایل ارتباط جمعی کشور های مرتجع غربی گردید.

در این جلسه پرو پا گند های افتراء آمیز بر اساس دروغ و خیال بافی که منظور آن تخریب چهره جمهوری دموکراتیک افغانستان و سرسری به صورت واضح این خطر جدی را از طرف امپریالیسم امریکا و متحدینش ملاحظه میکنند. این اجتماع بین المللی جوانان و نهضت محصلین همه ما نور ها، دسایس و فعالیت های تخریبی و نقشه های امپریالیسم امریکا و متحدین آن را علیه مردم، جوانان و حکومت انقلابی افغانستان شدیدا تقبیح مینمایند.

شرکت کنندگان همکاری آشکار امپریالیسم امریکا را بسا حکومت نظامی پاکستان و سایر نیروهای ضد دموکراتیک و عنا صر مرتجع غرب که برای تحت شعاع قرار دادن انقلاب کشور مخصوصاً پس از مرحله نوین آن به نیروهای ضد انقلابی افغانستان مساعدت می نمایند، جدا تقبیح مینمایند.

اشتراک کنندگان مانور های اخیر حکومت امریکا و سایر نیروهای ارتجاعی را در مورد ارتقاء کس در ساختن به اصطلاح، مساله افغانستان، و حتی استفاده از منشور ملل متحد که با بی اعتنائی علیه موقف آرزومندان حکومت افغانستان از آن استفاده میکنند به شدت نکوهش نمودند.

این اجتماع مخالفت خود را با استفاده از پاکستان از

تحت این شرایط حکومت اتحاد شوروی تصمیم گرفت تقاضای افغانستان را مبتنی بر فرستادن قطعات محدود نظامی عبور به پذیرد.

این مساعدت اتحاد شوروی کاملاً مطابق با قوانین بین المللی و ماده پنجاه و یک منشور ملل متحد دایر بر دفاع مشترک علیه تجاوز و موافقت با روحیه معا هده دوستی و همکاری بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی صورت گرفته و اتحاد شوروی این کمک های دوستانه را به مسردم افغانستان در دفاع از تجاوز امپریالیسم به عمل آورده است.

این عمل امپریالیست ها راسراسیمه نمود و با این دلیل قصد تجاوز و فشار به پرو پا گند و تب جنگجویی علیه افغانستان و اتحاد شوروی میدل گشت. نمایندگان سازمان های ملی، منطقه ای و بین المللی جوانان و محصلان به نمایندگی از میلیون ها دختر و پسر سراسر جهان به صورت واضح این خطر جدی را از طرف امپریالیسم امریکا و متحدینش ملاحظه میکنند. این اجتماع بین المللی جوانان و نهضت محصلین همه ما نور ها، دسایس و فعالیت های تخریبی و نقشه های امپریالیسم امریکا و متحدین آن را علیه مردم، جوانان و حکومت انقلابی افغانستان شدیدا تقبیح مینمایند.

شرکت کنندگان همکاری آشکار امپریالیسم امریکا را بسا حکومت نظامی پاکستان و سایر نیروهای ضد دموکراتیک و عنا صر مرتجع غرب که برای تحت شعاع قرار دادن انقلاب کشور مخصوصاً پس از مرحله نوین آن به نیروهای ضد انقلابی افغانستان مساعدت می نمایند، جدا تقبیح مینمایند.

اشتراک کنندگان مانور های اخیر حکومت امریکا و سایر نیروهای ارتجاعی را در مورد ارتقاء کس در ساختن به اصطلاح، مساله افغانستان، و حتی استفاده از منشور ملل متحد که با بی اعتنائی علیه موقف آرزومندان حکومت افغانستان از آن استفاده میکنند به شدت نکوهش نمودند.

این اجتماع مخالفت خود را با استفاده از پاکستان از

نویسنده و زندگی

ادبیات از زندگی سیر آب میشود نویسنده واقعه ها و حادثه های حیات را می بیند و از آنها نتایج معین می گیرد و تمهید میدهد و وقتی درست و نادرست بودن این نتایج شناخته میشود که آنها را در زندگی پیاده کنیم. ازبیر «نویسنده باید زندگی را بیاموزد و بشناسد» و این طبیعی است.

بی گفتگو است که تیوری زیبایی شناسی ذهن گرایانه این نظریه را رد میکند و مضمون ادبیات را در جهان ذهنی نویسنده و در مفهوم تجربی، جستجو میکند.

نظریه استه تکی فلسفه علمی و تجزیه ادبیات پیشرو سالهاست که بر اساس بودن و پوچی چنین ادعا های بنادر گرایانه را به ادبیات رسانیده است.

نویسنده باید زندگی را بشناسد و شناسایی زندگی، روندی است که نویسنده در همین روند چشمتها غوش شدن با حیات را ههای درست بی جویی میکند.

نویسنده چگونه باید زندگی را بیاموزد و بشناسد؟ پیش از پاسخ دادن به این سوال لازم است که نویسنده بداند که چیزهایی را از زندگی بیاموزد تا بتواند بر پایه این بر رسی قووم و مضمون ادبیات را غنی سازد.

ادبیات شاخه میانه های زیباست. قوانین ویژه شاخه های دیگر هنر با همان اهمیت ادبیات نیز جاریست و در عین حال، ادبیات کیفیت های خاص خود را دارد که پیش از تعیین آنها نمیتوان بر روشنی و به تمامی سوال «نویسنده از زندگی چه باید بیاموزد» را پاسخ داد. جهانی که ادبیات را با دیگر شاخه های هنر پیوند میدهد عبارت از این است که ادبیات نیز مانند دیگر هنر ها حقیقت را فقط مبتنی بر تئوری، افکار و احساس های انسانی تصویر میکند «و»، اساسی آن نیز انسان است.

عصر ادراکی اصلی، انسان است ولی از آنجا که هر شاخه از هنر ویژگی ها و امکانات خاص خود را دارد، ادبیات، اعتباری، مضمون و شکل، خصوصیات از آن خود دارد. با تفاوت از دیگر هنر ها، بخصوص از نقاشی و پیکرتراشی ادبیات، جهان درونی انسان، اندیشه ها و احساس ها و شخصیت ها را تصویر میکند. بی گفتگو است که تجربه ادبیات پیشرو و پیوسته این جهت را پیش چشم داشته است. ولی چه بسا که این هم فراموش شده و با کم اهمیت انگاشته شده است. زمانی این نظر را پیش میکشیدند که گویا ادبیات «نقاشی ناطق» است. لیبیک نویسنده آلمانی علیه این نظریه بر خاسته. گفته است که نمیتوان ادبیات را نقاشی ناطق خواند. ادبیات جرات گوناگون هر شی را نه در یک لفظه بلکه در بستر زمانی بهماورد و در درون حرکت و تکامل و مناسبت با جهان بیرونی تصویر میکند.

نویسنده باید زندگی را بشناسد و شناسایی زندگی، روندی است که نویسنده در همین روند چشمتها غوش شدن با حیات را ههای درست بی جویی میکند.

نویسنده چگونه باید زندگی را بیاموزد و بشناسد؟ پیش از پاسخ دادن به این سوال لازم است که نویسنده بداند که چیزهایی را از زندگی بیاموزد تا بتواند بر پایه این بر رسی قووم و مضمون ادبیات را غنی سازد.

ادبیات شاخه میانه های زیباست. قوانین ویژه شاخه های دیگر هنر با همان اهمیت ادبیات نیز جاریست و در عین حال، ادبیات کیفیت های خاص خود را دارد که پیش از تعیین آنها نمیتوان بر روشنی و به تمامی سوال «نویسنده از زندگی چه باید بیاموزد» را پاسخ داد. جهانی که ادبیات را با دیگر شاخه های هنر پیوند میدهد عبارت از این است که ادبیات نیز مانند دیگر هنر ها حقیقت را فقط مبتنی بر تئوری، افکار و احساس های انسانی تصویر میکند «و»، اساسی آن نیز انسان است.

عصر ادراکی اصلی، انسان است ولی از آنجا که هر شاخه از هنر ویژگی ها و امکانات خاص خود را دارد، ادبیات، اعتباری، مضمون و شکل، خصوصیات از آن خود دارد. با تفاوت از دیگر هنر ها، بخصوص از نقاشی و پیکرتراشی ادبیات، جهان درونی انسان، اندیشه ها و احساس ها و شخصیت ها را تصویر میکند. بی گفتگو است که تجربه ادبیات پیشرو و پیوسته این جهت را پیش چشم داشته است. ولی چه بسا که این هم فراموش شده و با کم اهمیت انگاشته شده است. زمانی این نظر را پیش میکشیدند که گویا ادبیات «نقاشی ناطق» است. لیبیک نویسنده آلمانی علیه این نظریه بر خاسته. گفته است که نمیتوان ادبیات را نقاشی ناطق خواند. ادبیات جرات گوناگون هر شی را نه در یک لفظه بلکه در بستر زمانی بهماورد و در درون حرکت و تکامل و مناسبت با جهان بیرونی تصویر میکند.

پشتیبانی از مصوبات و اقدامات حزب و دولت

بخاطر تأیید و پشتیبانی از مصوبات تاریخی سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان دیروز محلی از طرف سازمان اولیه کارمندان و مأموران زیاست مجادله لاریا و لشمایا و کورس عالی افسران قوای مسلح قهرمان تحت رهبری ناحیه ششم و هفتم و هشتم جزی شهر کابل در تالار صحت عامه برگزار شد.

به همین مناسبت هزاران نفر از مردم زخمکش شهر قلعه نو مرکز ولایت بادغیس به اشتراک کارمندان جزی و دولتی آن ولایت طی گردهمایی درلیسه حنظله بادغیسی از فیصله های سازنده و تاریخی سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان استقبال و پشتیبانی نموده و در امر تطبیق آن کار و یوکار انقلابی شانرا ابراز کردند.

بسیله همین سلسله کارمندان و مسئولین مدیریت عمومی و تعلیم و تربیه و موسسه عالی تربیه معلم ولایت هرات بر پروردن علوی موسسه عالی تربیه معلم ولایت طی یک گردهمایی از فیصله های تاریخی سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پشتیبانی و حمایت نمودند.

در اخیر این گردهمایی قطعنامه های نیز صادر گردید.

همچنان موسیقیدان منورین مردم شریف ولسوالی زنده جان ولایت هرات بر پروردن بهمین مناسبت محلی را در مرکز آنولسوالی ترتیب داده بودند.

طبق یک خبر دیگر باختر آژانس بزرگان ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ به نمایندگی از مردم شریف و زخمکش آنجا بر پروردن بمقام ولایت آمده گفتند ما تا پای جان از مرحله نوین تکاملی انقلاب ثور حمایت و پشتیبانی مینماییم و دشمنان انقلاب این مزدوران حلقه بگوش امپریالیزم امریکا را بزباله دان تاریخ میسپاریم.

یک خبر دیگر حاکمیت که مردم زخمکش ولسوالی چار بولک ولایت بلخ بر پروردن طی گردهمایی در بازار آنولسوالی آمادگی عام و تام شانرا در جهت تطبیق فیصله های با عظمت و تاریخی سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به دولت ملی و مرقی شان ابراز داشتند.

اولین پلینوم اتحادیه های صنفی ولایت کابل

اولین پلینوم شورای ولایتی اتحادیه های صنفی ولایت کابل بعد از ظهر دیروز در مقر شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان دایر شد.

معاون شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان در آغاز جلسه بیانیه ای را در مورد گفت، اتحادیه های صنفی وظیفه دارند بهبود کار و سطح زندگی کارگران کار و فعالیت نموده، کارگران

(بقیه ص ۳)

نماینده قدراسیون ...

مگر آنانی که نیتی سوداگران دیوا جنون آتش افروزی.

من بدین باورم که خلق شما از کام اژدها و یا بهتر بگویم از جهنم آتشنا باز گشته اند. تسلط برده گان سرمایه بر کشوری شوخی پذیر نیست.

به چلی بنگرید، آنجا زمین هنوز تشنه خون است در آن وحشتناک هر آن وطن پرستی را به جرم وطن پرستی اش به خاطر شادی بپاکین امریکا یعنی معبود پنجوت خون آشام ذبح کرده رخساره های آن بترا از خون وطن پرستان چلی رنگ میزند.

اگر کمک انقلابی خلق قهرمان شوری نمیبود و یا اگر توده های زحمت کش و عرق ریز پناهگاهی چون کمپ سو سیالیزم نمیداشتند، بنیان عینی برای آفرینش و رشد شرایط مناسب جهت تکامل ماهیت بشری در انسان بوجود می آید، تنها در شرایط جامعه مترقی است که هنر و ادبیات میتواند وظیفه تربیتی و ادراکی و آمل هوانیستی خود را با بی جویی و سرشاری ادا کند، بنیان گذار فلسفه علمی به موقع خود خاطر نشان ساخت که حاکمیت طبقه کارگر در تکامل هنر بشری صحیفه تازه ای میکشاید. نویسنده اثر «تشکیلات و ادبیات» از ادیبان خفیی و آزاده سخن میگوید که بتواند به توده ها خدمت کند به اندیشه ها و آرزو های شان پرو بال بخشد و در آنها هوس خلافت هنری را بیدار کند. اینست پاسخ به سوال «نویسنده از زندگی چه باید بیاموزد».

فاحتمرین خطای تیوریک است» بنا براین نباید غافل بود و نباید در سنجش تناسب نیرو ها، بهنگام نبرد انقلابی خود به این دشمن رفاه و سعادت خلقها، کسم بها پرسش:

«اتحادیه فدرال محصلین پاکستان، که شما بسمه نماینده گی از آن دعوت س.د.ج. را بلیک گفته به سر زمین ما شتا فتید، چی نقشی را در امر بی اعتبار ساختن تبلیغات دور از واقعیت رسانه های گروهی محافل ارتجاعی جهان و از جمله پاکستان ایفاء نموده است؟

پاسخ:

«شرایط مختنق و دشوار سیاسی در پاکستان اجا زه هیچنوع کار سازنده را به وطن پرستان ما نمیدهد. حکومت نظامی گر پاکستان پیوسته تلاش میوزد حتی کوچکترین روزنه را که امکان تابش بارقه امید ی از

اولین پلینوم اتحادیه های صنفی ولایت کابل

وزخمکش کشور را بسیج و متشکل ساخته واز نیروی دورانساز آنبادرجهت دفاع از انقلاب ثور و اعمار جامعه نوین افغانستان اسفاد نمایند.

در اخیر محفل قطعنامه صادر شده ودر آن گفته شده است که ما اشتراک کنندگان اولین پلینوم شورای ولایتی به بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای

بیا نگر این حقیقت است که هرجایی گل انقلاب شکفتنی باشد باغبانی هست که بسا دست توانای خود از تا را ج خزانس حراست کند.

پیروزی انقلاب شما امید به آینده روشن و تا بسا پاکستان را در دل ما نیرومند تر از پیش ما خسته است.

ما میدانیم که نسیم انقلاب در محدوده کشوری محصور نخواهد ماند. بردست و پای انقلاب هیچکسی قادر نیست زنجیر اسارت گذارد. اینرا تاریخ گواهی میدهد. بی آنکه کسی انقلاب را به جایی یا کشوری صادر کند سمند تیز پای انقلاب خود فاصله ها را در می نوردد، از مرزها میگذرد و ساحت های نوی را در آغوش میکشد. این باور ما است.

به تاریخ (۳۰ جولای) یکی از رزمندگان همسنگر ما رفیق نذیر عباسی، رئیس فدراسیون ملی محصلین سند هنگام چاپ همسین اورا ق تبلیغاتی با ماشین چاپ یکجا دستگیر گردید و در کمپ نظامی ماری پور کراچی در زیر شکنجه های دهنشانه ماموران آدمکش ضیاء الحق جام شهادت نوشید و جسدش در جالهی مدفون گردید. او به دفاع از حقانیت انقلاب افغانستان سر سپرده نامش جاویدان و پادش گرامی باد.

پرسش:

«برای استحکام هر چه بیشتر روابط بین جوانان ماموران آدمکش ضیاء الحق جام شهادت نوشید و جسدش در جالهی مدفون گردید. او به دفاع از حقانیت انقلاب افغانستان سر سپرده نامش جاویدان و پادش گرامی باد.

پرسش:

«برای استحکام هر چه بیشتر روابط بین جوانان ماموران آدمکش ضیاء الحق جام شهادت نوشید و جسدش در جالهی مدفون گردید. او به دفاع از حقانیت انقلاب افغانستان سر سپرده نامش جاویدان و پادش گرامی باد.

پرسش:

«برای استحکام هر چه بیشتر روابط بین جوانان ماموران آدمکش ضیاء الحق جام شهادت نوشید و جسدش در جالهی مدفون گردید. او به دفاع از حقانیت انقلاب افغانستان سر سپرده نامش جاویدان و پادش گرامی باد.

پرسش:

«برای استحکام هر چه بیشتر روابط بین جوانان ماموران آدمکش ضیاء الحق جام شهادت نوشید و جسدش در جالهی مدفون گردید. او به دفاع از حقانیت انقلاب افغانستان سر سپرده نامش جاویدان و پادش گرامی باد.

پرسش:

«برای استحکام هر چه بیشتر روابط بین جوانان ماموران آدمکش ضیاء الحق جام شهادت نوشید و جسدش در جالهی مدفون گردید. او به دفاع از حقانیت انقلاب افغانستان سر سپرده نامش جاویدان و پادش گرامی باد.

رویدادهای جهان

حکومت پاکستان جهت به هراس انداختن مردم عناصر ضد انقلاب افغانستان را به خدمت می گمارد

متعدد اقتصادی مواجه اند حکومت نظامی پاکستان ملیو نها کلدان را بخاطر فراهم آوری تسهیلات نظامی به این عناصر صرف مینماید که این عناصر به سر زمین داخل گردیده قتل، دزدی، غارت، واختطاف و به غیره اعمال جبر و زور مبادرت ورزیده و جهت فراهم آوری آرامی و عیش خویش جاویدان و اموال مردم را به زور قبضه می نمایند، چنانچه مردم بلوچستان قبل از این هم چنین اعمال شانرا اشاء ساخته و یک مثال مبسم آن واقعه نوشکی است که علیه مردم بلوچستان خارج کردند.

کمیته عامل اتحادیه های محصلین بشتون و بلوچ پوهنتون کویتو کالج های بلوچستان با ارتباط وقایع نوشکی در قطعنامه بی تدری داده اند که حالا حکومت پاکستان با ناکام شدن فعالیت اردو در تجارت غرض هراسان ساختن مردم به استعمال سود خوران مذهب فروشان و غیره را که بعد از انقلاب افغانستان فرار نموده و به اینجا آمده اند شروع کرده است. این اشخاص که مقابل ثور انقلاب افغانستان تاب آورده نتوانستند در بلوچستان به اعمال دزدی قتل وغیره اذیت ها مبادرت ورزیده اند.

مردم زیمبابوی در راه ساختمان جامعه سوسیالیستی هستند

کنفرانس مطبوعاتی در مقر سازمان ملل متحد در نیویارک گفته است. وی علاوه کرد که نتایج موجودیت چند ماهه حکومت جدید و مساعی آن در راه اعمار مجدد کشور کاملاً تشویق کننده میباشد.

مردم زیمبابوی عزم راسخ دارند تا به اعمار یک جامعه سوسیالیستی مبادرت ورزند و اکنون مصروف عملی ساختن این وظیفه میباشد.

معاون صدراعظم و وزیر خارجه زیمبابوی این موضوع را در یک

کنفرانس مطبوعاتی در مقر سازمان ملل متحد در نیویارک گفته است. وی علاوه کرد که نتایج موجودیت چند ماهه حکومت جدید و مساعی آن در راه اعمار مجدد کشور کاملاً تشویق کننده میباشد.

مردم زیمبابوی عزم راسخ دارند تا به اعمار یک جامعه سوسیالیستی مبادرت ورزند و اکنون مصروف عملی ساختن این وظیفه میباشد.

معاون صدراعظم و وزیر خارجه زیمبابوی این موضوع را در یک

خلق افغانستان ...

ابر از بدارم. میخوام هم بایشان اطمینان دهم که خلق افغانستان که در طول تاریخ خویش بار ها تجارزات بالای استقلال ارضی و انقلاب خویش دفاع نماید.

همچنان وی افزود: از جمله نشرات مایکرم مجله بی بنام جوانی میباشد که آتم در حدود سه میلیون تیراژ دارد. سیر نشرات ما به اوقات مختلف و تیراژ مختلف و طبع و توزیع میگردد.

همچنان طی این ملاقات شورای سلسله مسایل مربوطه به جانبین مفاهمه صورت گرفت.

دیرچنگه منشی اتحادیه نویسندگان کشور دوست اتحاد شوروی بخاطر اشتراک در دگره موسس اتحادیه نویسندگان و شعرا که بتاریخ ۱۲ میزان دایر میگردد بکابل آمده است.

همچنان طی این ملاقات منشی اتحادیه نویسندگان اتحاد شوروی پیرامون دشواری ها و تجارب مربوط به سالیان دشوار بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتو بر فصولا صحبت نموده گفت: امروز اتحادیه ما مسؤولیت نشر ۹۰ مجله و ۲۰ جریده را به عهده داشته و اراکان نشراتی اتحادیه ما جریده بی بنام ادبیات است که با تیراژ سهو نیم میلیون انتشار میابد.

تغییر نظام دولتی ...

پس از انقلاب کارگری ۱۸۷۱ به ثبوت رسید که فقط بوسیله دولت نوین طبقه کارگر میتوان به «راهی اقتصاد کار» گذر کرد زیرا خصوصیت این دولت اینست که تکمیل ماشین گذشته نبود، چیزی جدا از مردم و جامعه و بر مردم و جامعه نیست، بلکه از خود آن است و به این مفهوم نوع تاریخی جدید دولت است.

دقیقت:

«طبقه کارگر در قدام کمون نشان داد که متحد کننده بهترین و سالمترین عناصر جامعه است. دولت کارگری «دولتی است عمیقاً و واقعاً»

پس از انقلاب کارگری ۱۸۷۱ به ثبوت رسید که فقط بوسیله دولت نوین طبقه کارگر میتوان به «راهی اقتصاد کار» گذر کرد زیرا خصوصیت این دولت اینست که تکمیل ماشین گذشته نبود، چیزی جدا از مردم و جامعه و بر مردم و جامعه نیست، بلکه از خود آن است و به این مفهوم نوع تاریخی جدید دولت است.

دقیقت:

«طبقه کارگر در قدام کمون نشان داد که متحد کننده بهترین و سالمترین عناصر جامعه است. دولت کارگری «دولتی است عمیقاً و واقعاً»

دامان وطن ...

یک منبع ولایت غور گفت، از نزد این دشمنان انقلاب و مردم ما مقدار زیاد سلاح مختلف النوع آمریکایی و چینی و افسران قوای مسلح آن ولایت ازین برده شدند.

یک منبع ولایت غور گفت، از نزد این دشمنان انقلاب و مردم ما مقدار زیاد سلاح مختلف النوع آمریکایی و چینی و افسران قوای مسلح آن ولایت ازین برده شدند.

یک منبع ولایت غور گفت، از نزد این دشمنان انقلاب و مردم ما مقدار زیاد سلاح مختلف النوع آمریکایی و چینی و افسران قوای مسلح آن ولایت ازین برده شدند.